

انتظار، در طرح آزادی زندانیان سیاسی

امیرفیض - حقوقدان

در اول آبانماه سال جاری، اعلیحضرت پیشگام حرکتی عام باهدف آزادی زندانیان سیاسی وعقیدتی شدند ودرراستای این تصمیم پیش نویس شکوائیه ای که بنظر مبارکشان لازم بود برای اجرای طرح، به سازمان ملل وشورای امنیت فراهم شد که اینجانب هم مفتخر به تقدیم نقدی زیر عنوان <اعلیحضرت پیشگام آزادی زندانیان سیاسی> گردیدم.

درششم آذرماه گزارشی با بیان اعلیحضرت راجع به اقدامات انجام شده درباره طرح مزبور منتشر گردید که نوید میداد حدود ۳۲۰۰ ایرانی طرح راطرف توجه قرارداده وگروهی ازحقوقدانان ایرانی وخارجی آمادگی خودرابرای کمک به طرح اعلام داشته اند.

واما بعد - انتظار

انتظار، حالتی است بین بیم وامید تحمل انتظارخیلی دشواراست برخی انتظارراشد ازمرگ میدانند انتظاررامیتوان مرگ تدریجی ویا شکنجه روحی دائمی پنداشت. انسان وقتی فرزندش مفقود میشود تازنده است درانتظاراست ولی اگرهمان عزیز یکباره فوت کند بعد ازمدتی مرگ اوفراموش میشود ولی انتظارفراوش شدنی نیست.

طرح آزادی زندانیان سیاسی نویدی بود برای هزاران ایرانی که عزیزان آنها زندانی جمهوری اسلامی هستند و آنها با شنیدن پیشگامی اعلیحضرت، به اعتبارسنت اعتماد به بیان وقول وتعهد شاه از حالت بیم به دوران انتظاربرای آزادی عزیزانشان قدم گذاشتند وچه بسا اگر اقداماتی ویا هزینه های برای کوتاهی مدت زندان ویا رهائی آنها هم درنظر داشتند بمناسبت طرح آزادی زندانیان سیاسی غیرضرورشناخته شد.

چه آنهاکه در زندان بودند ویا عزیزانشان بهم وعده رهائی میدادند وچه برخی از زندانیان به همین اعتبار طرح، موقعیت های مناسبی را که در زندان یافته بودند بااطمینان به آزادی، از دست میدادند وبراه عزت نفس خود باز میگشتند.

درکمال تاسف طرح مزبور در مسیر حرکت قرارنگرفت وحتى مرحله تهیه پیش نویس راهم نپیمود واز بعد ازگزارش ششم آذر ماه با آنکه اعلیحضرت در مصاحبه های اخیرشان فرمودند: <تازنده هستم دنبال آزادسازی زندانیان سیاسی میباشم> ولی حرکتی ویا خبری که نشان از فعال بودن طرح باشد دیده وشنیده نشده است.

ممکن است این تصویر به میان بیاید که طرح محاکمه خامنه ای کلی است که آزادی زندانیان سیاسی رانیز دربرمیگیرد **این تصویر درحالی درست است که هدف واقعی طرح محاکمه خامنه ای، اجرای کامل الگوی لیبی باشد که البته در آن صورت همانطور که وزیر خارجه روسیه اظهار داشت: <تحریمها واقدامات آمریکا برای تغییر رژیم است>، طرح محاکمه خامنه ای با الگوی لیبی بهمان طریق که زندانیان سیاسی لیبی در کناره نابود شدن لیبی آزاد شدند، زندانیان سیاسی ایران هم ببهای نابودی ایران آزاد خواهند شد.**

ولی اگر طرح محاکمه خامنه ای رایک فصل حقوقی بدانیم، طرح مزبور هیچ ارتباطی به طرح آزادی زندانیان سیاسی ندارد وتنها وجه اشتراک در آن دوطرح استفاده از اهرمهای بین المللی در طرح آزادی زندانیان سیاسی وپیشنهاد **بکارگرفتن الگوی لیبی به شورای امنیت در طرح محاکمه خامنه ای است** که چون درخواست های مزبور بموجب اساسنامه دادگاه کیفری بین المللی در صلاحیت شاکی نیست لذا از نظر حقوقی زیاده خواهی است.

مقصود از اشاره بالا نشان دادن خط وسط منتظرین آزادی زندانیان سیاسی است با منتظرین محاکمه خامنه ای که اولی حاد وناشی از علقه های فامیلی وخانوادگی است ودومی یک مسئله حاکمیتی وسیاسی است.

انتظار منتظرین

ما نباید منتظرین به طرح آزادی زندانیان سیاسی رادرسردابه سردرگمی و انتظار طاقت فرسای آزادی زندانیان سیاسی دفن کنیم، نباید به منتظرین آزادی زندانیان سیاسی نشان دهیم که لیاقت تنظیم یک نامه برای درخواست آزادی زندانیان سیاسی را نداریم که متاسفانه نشان داده ایم.

آیا باورکردنی است که تهیه یک نامه با آمادگی همکاری ۳۲۰۰ ایرانی و ۵۰ حقوقدان ایرانی و خارجی سه ماه بطول انجامد؟ درست است برای ماکه درخارج ازایران هستیم آزادی زندانیان سیاسی تاثیری به حال وروزگاراندارد اما آیا برای کسانی که عزیزانشان درزندان های جمهوری اسلامی هستند هم همین وضع ماست؟

فرق است میان آنکه یارش دربر با آنکه دوچشم انتظارش بردر

یکی ازحکما میگوید مردم درقول و فعل چهارگروهند:

- اول آنکه بگوید ونکند. این شیوه منافقان وبخیلان است.
- دوم آنکه نگوید وبکند. این عادت آدمیان وجوانمردان است.
- سوم آنکه بگوید وبکند. واین سیرت مردم معاش دانست.
- چهارم آنکه نگوید ونکند واین خصلت دوان است.

ما نباید درگروه اول قرارگیریم مانمیتوانیم طرحی را که ارائه داده ایم ومتضمن قول وتعهد است همچنان رهاکنیم این عمل رامیگویند <امید نااصل دادن> که گفته اند امید نااصل چون نفت برروی آب است که هم سودی ندارد وهم آب راضایع میکند.

لازمه هرطرحی حتما متضمن موفقیت ویا اجرای درست وکامل آن نیست اجرای طرح ممکن است باموانعی غیرقابل پیش بینی مواجه شود ولی تکلیف طراح طرح ویامجری طرح سکوت وعقب نشینی نیست بلکه باید موانع ومشکلات وعلت توقف طرح ویانصراف ازاجرای طرح رابیان کند ومردم رازانتظار تحقق طرح خارج کند، ممکن است طرح مورد بحث درشورای امنیت با محظوراتی روبروشود که دفع آن درحیطه اقتدارطراح طرح نباشد ولی تسلیم یک شکوانیه که نمیشود گفت خارج از اقتداررهبراپوزیسیون ورهبرفکری بانضمام ۵۰ حقوقدان ایرانی وخارجی و ۳۲۰۰ ایرانی فعال درمسائل مبارزه است؟

ویکتور هوگو میگوید:

افکارواندیشه ها مانند لشگرها باشکشت مواجه میشوند، صف آرانی مجدد آنها مشکل است ولی حتما لازم است.

ضربه ای که به انتظارمردم وارد میشود آنها رابه عهد ووفای آتی ما بی اعتبار میسازد ودرآینده هرطرحی که ارائه و خواستار پشتیبانی مردم شوند به مثابه طرح آزادی زندانیان سیاسی تلقی خواهد شد.

درمصاحبه اخیردرانجمن سخن، روی موضوع اعتماد ولزوم حرکت مبارزه دربستراعتقاد توجه وتوضیح مناسبی درجریان بود، این نحوه عمل وبرخورد باطرح آزادی زندانیان سیاسی بستر اعتماد عمومی رابه فعالیت های اعلیحضرت بکلی ناهمواروغیرقابل عبورمیسازد.

نحوه مدیریت ما باطرح آزادی زندانیان سیاسی به ملت میگوید که ما اهل حرف هستیم نه اهل عمل.

ما که ازتهیه یک نامه به سازمان ملل بالاین همه داوطلب عاجزیم چگونه میخواهند اتحاد وهمبستگی گرگ ومیش رابوجود آورند؟

مصلحت مبارزه و اعتبار مبارزه ایرانیان خارج از کشور در آن است که اراده اعلیحضرت بر تنظیم سریع و فوری درخواست آزادی زندانیان سیاسی تحقق یابد و طرح مزبور را با حذف **درخواست ناموجه** **<اهرمهای بین المللی>** به سازمان ملل تقدیم دارند و مردم بخصوص زندانیان سیاسی و عزیزان آنها را از حالت انتظار خارج سازند.

در مقابل این کوتاهی آشکارویی اعتنایی زجرآور، آن ۵۰ حقوقدانی که صرف وقت کرده اند و به طرح جامعیت حقوقی داده اند و یا آن ۳۲۰۰ نفری که آماده همکاری شده و دقیقه شماری میکنند که طرح به حرکت درآید چه قضاوتی نسبت به طرح و طراح آن خواهند کرد؟^۱

سالها قبل اعلیحضرت دوبار صریح و تاکید فرمودند <حرفهایمان راهمه زده ایم دیگر بس است اکنون وقت عمل است> ولی نه تنها وقت عمل نرسید که دامنه تکرار و تکرار و عقب نشینی وسیع و وسیعتر گردید.

بقول خاتم البرایت وزیر خارجه سابق آمریکا <آنها که زیاد حرف میزنند اهل عمل نیستند> فیلسوف دیگری گفته <معیارها و ظرفیت اشخاص در عمل نمایان است نه حرف> سعدی ماهم گفته <به عمل کار برآید به سخندانی نیست>

^۱ - شایسته می بود این حقوقدانان و آن ۳،۲۰۰ نفر به مردم شناسانده می شدند. آوردن رقم بسیار آسان است، گذشته از آن حقوقدان تا حقوقدان متفاوت است، یک حقوقدان در امور املاک و خرید و فروش هم حقوقدان است و یک متخصص در امور بین المللی و سیاسی هم، دخالت هر کدام در امور دیگری بزرگترین اشتباه است. یک وکیل جنایی حرفی برای گفتن در تنظیم لایحه های حقوق بین الملل ندارد. مثل آن می ماند که یک لوله کش در پیوند رگ های قلب در اتاق عمل قرار بگیرد. ح-ک